

اختلاف بر سر خصوصی سازی بانک های ایران

با آن که سازمان خصوصی سازی ایران اعلام کرده است سهام بانک و بیمه دولتی به بخش خصوصی واگذار خواهد شد اما محسن نوربخش، رئیس کل بانک مرکزی گفته است اجازه خصوصی سازی بانک های دولتی را نخواهد داد.

مهدی علی اکبر، مدیر عامل سازمان خصوصی سازی به خبرنگاران گفته بود سهام چهار بانک تجارت، ملت، سپه و صادرات به بخش خصوصی واگذار خواهند شد و بانک های مسکن، کشاورزی، صنعت و معدن و ملی همچنان در اختیار دولت باقی خواهد ماند.

علی اکبر با اشاره به پیشنهاد هیات عالی واگذاری در مورد واگذاری بیمه های دولتی گفته است: «۸۰ درصد سهام بیمه آسیا، البرز و دانا و ۵۱ درصد بیمه ایران به بخش خصوصی واگذار خواهد شد».

نوربخش خصوصی سازی بانک ها را با انتقال واحدهای صنعتی مقایسه کرده و گفته است: «وضع بانک با کارخانه فرق دارد زیرا در کارخانه یک دارایی فیزیکی مشخص وجود دارد که در صورت بروز مشکل، کارخانه تعطیل و کارگزارش بازخرید می شوند اما در بانک چنین اتفاقی نمی تواند رخ دهد و بانک بر اساس قانون پولی و بانکی اداره می شود و تعهدات سهامداران در مقابل سپرده گذاران بسیار محکم تر از اینهاست».

گزارش ها حکایت از آن دارد که ۳۰ درصد از سهام بانک صادرات به سازمان تامین اجتماعی و ۳۰ درصد نیز به سازمان بازنشستگی کشور بابت بازپرداخت بدهی های دولت به این دو سازمان واگذار خواهد شد.

حلی شدن بانک ها

در خرداد ماه سال ۱۳۵۸، دولت موقت مدیریت بانک ها را ملی اعلام کرد.

دلیل این اقدام مقابله با احتمال برداشت های غیرعادی، خروج سرمایه بانک ها از کشور و ناتوانی آنها در بازپرداخت وام های دریافتی اعلام شد.

اما شورای انقلاب، که در آن زمان نقش قوی و مقتضی را ایفا می کرد این کار را کافی ندانست و مالکیت و دارایی های بانک ها را نیز ملی کرد. با این اقدام، ۲۸ بانک خصوصی موجود در ایران در انحصار دولت قرار گرفت که بعدها دولت آنها را در قالب «بانک تخصصی» و «بانک تجاری سازماندهی» کرد.

با ملی شدن و در پی آن، اجرای قانون بانکداری اسلامی بدون ربا، کم کم بانک ها در خدمت اهداف دولت قرار گرفتند.

تسلط دولت سبب شد بانک ها از سودآوری به عنوان هدف اصلی خود دور شده و به سوی اهداف تعیین شده حمایتی دولت هدایت شوند. کارشناسان حمایت از یک بخش یا فعالیت تولیدی خاص و ارائه تسهیلاتی با نرخ کمتر از نرخ تورم - یعنی تسهیلات تکلیفی - را نمونه ای

از تغییر اهداف بانکی به سوی اجرای هدف های دولتی عنوان می کنند. به گفته آنان، اعطای این تسهیلات سازی یارانه ای است که دولت به قاضیان وام در فعالیت های مورد نظر خود اختصاص می داد و این با اصل سودآوری بانک ها در تضاد بوده است.

تفکر دولتی

به تدریج حاکمیت تفکر دولتی در جمهوری اسلامی به حدی گسترش یافت که این تصور را قوت بخشید که دولت و بانک ها دارای یک شخصیت واحد هستند و اصولاً بانک ها باید در راستای ارائه خدمات دولتی فعالیت کنند. این انحصار سبب شد دولت، بانک ها را به عنوان منبع مالی تحت اختیار خود تلقی کند که در قالب تبصره های تکلیفی، وام های کلانی را در اختیار شرکت های دولتی قرار می دهند، وام هایی که کمتر به منبع اصلی آن بازگردانده شده است.

در این سال ها دولت برای تعیین کسری بودجه نیز دست به دامن سیستم بانکی شد و کسری بودجه را از محل استقراض از بانک مرکزی تامین کرد.

بسیاری استقراض دولت از نظام بانکی را که افزایش حجم نقدینگی را به دنبال داشت عامل اصلی عینیت بخشیدن به فشارهای تورمی موجود در ایران می دانند.

علاوه بر مداخله دولت در تعیین میزان اعتبارات و نرخ بهره تسهیلات بانکی، نرخ سود نیز به صورت دستوری از سوی دولت تعیین می شود که عموماً کمتر از نرخ تورم بوده است، با انحصار دولت، کیفیت و تنوع خدمات بانکی نیز در ایران به شدت کاهش یافته است.

ناکارایی نظام بانکی در کنار گرایش به خصوصی سازی پس از پایان جنگ با عراق باعث شد تا افزایش کارایی نظام بانکی مورد توجه کارشناسان قرار گیرد.

از میان روش های موجود برای بهبود کارایی نظام بانکی سه روش واگذاری سهام به کارکنان، واگذاری بانک ها به بخش خصوصی و خصوصی سازی مدیریت بانک ها مورد توجه قرار گرفته است.

در آن زمان هیچ یک از این پیشنهادها در عمل به اجرا در نیامد.

مشکل قانونی

مشکل اصلی تأسیس بانک های خصوصی و خصوصی سازی بانک های دولتی در ایران به اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی بازمی گردد.

بر اساس این اصل، صنایع مادر نظیر بانکداری، بیمه، هواپیمایی، کشتیرانی و مخابرات، قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست مگر آن که تصمیم گیران اقتصادی به این نتیجه برسند که واگذاری این صنایع موجب پیشرفت اقتصادی کشور خواهد شد.

دولت با استفاده از این بخش از اصل ۴۴، در برنامه سوم طرحی را در پیش گرفت تا بخش هایی نظیر بانکداری، بیمه، نیروگاه، صنایع فولاد و نظایر آن را به بخش خصوصی واگذار کند.

بانک های خصوصی

بعد از مدت ها کشمکش، در سال ۱۳۷۲ آیین نامه موسسات اعتباری غیربانکی تصویب شد و موسسه توسعه صنعت ساختمان به عنوان اولین موسسه اعتباری خصوصی در جمهوری اسلامی فعالیت خود را در سال ۱۳۷۶ آغاز کرد. موسسه اعتباری بنیاد - متعلق به بنیاد مستضعفان - شش سال پیش از تصویب این آیین نامه فعالیت خود را آغاز کرد.

با وجود این آیین نامه، تا زمانی که قانون پنج ساله برنامه سوم تصویب نشده بود امکان تأسیس بانک غیردولتی وجود نداشت. بر اساس این قانون، بانک مرکزی موظف شد به منظور افزایش رقابت بانک ها، زمینه فعالیت موسسات و سازمان های اعتباری غیر دولتی را فراهم کند.

در پی آن، شورای پول و اعتبار با تصویب شرایط تأسیس بانک خصوصی راه را برای تأسیس بانک های غیردولتی با مالکیت و مدیریت بخش خصوصی و تعاونی فراهم کرد. حداقل سرمایه اولیه برای تأسیس بانک خصوصی ۲۰ میلیارد تومان در نظر گرفته شد که ۵۰ درصد آن باید قبل از صدور مجوز از سوی بانک مرکزی در اختیار این بانک قرار گیرد.

مقتضیات بسیاری برای تأسیس بانک در سال ۱۳۷۹ ثبت نام کردند اما تاکنون تنها بانک هایی نظیر اقتصاد نوین، توسعه، کارآفرین، سامان و یارمیان با دریافت مجوز فعالیت، کار خود را آغاز کرده اند.

هنوز دامنه فعالیت این بانک ها در بهترین شرایط از تأسیس شعباتی در تهران و چند شهر بزرگ فراتر نرفته است.

کندی خصوصی سازی

پیش بینی شده بود که در سال جاری ۲۰۰ میلیارد تومان از سهام دولتی به بخش خصوصی واگذار شود که تاکنون تنها ۲۸۵ میلیارد تومان آن واگذار شده است.

دولت در بودجه سال آینده ۷۰۰ میلیارد تومان در آمد از محل فروش سهام شرکت های دولتی را پیش بینی کرده است. روند واگذاری سهام شرکت های دولتی بسیار کند بوده است.

آقای علی اکبر، با مقصر دانستن سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گفته است: «شخص نشدن اجزای درآمد فروش شرکت های دولتی به وسیله سازمان مدیریت و برنامه ریزی دلیل اصلی کند بودن روند خصوصی سازی است». محمد ستاری فر، رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی، در واکنش به این سخنان گفته است: «وزارت اقتصاد و دارایی متولی امر خصوصی سازی است نه سازمان مدیریت و برنامه ریزی».

نویسندگان، کرده است که بر اساس قانون، اموال
دولت دست این سازمان نیست.
واقعتاً آقای ستاری هر دو واقع به سازمان
خصوصی سازی بر می گردد که یکی از
سازمان های تحت پوشش وزارت اقتصاد و
دارایی است و دستگاه های دولتی، با در اختیار
قرار دادن اموال، سهام و مالکیت خود به این
سازمان اجازه می دهند تا این واحدها را واگذار
کند.

به نظر می رسد با اختلاف نظرهای موجود
بین مدیران اقتصادی کشور طرح واگذاری
بانک های دولتی به درازا نخواهد کشید.
این طرح پس از تصویب هیات وزیران قابل
اجرا خواهد بود که هنوز موضوع آن برای
بررسی به هیات وزیران ارائه نشده است.

تالیف: جناب علی تقی